روزنه

جهانگیری:

آنجا که لازم نیست نباید مردم را نگران کنیم

● **ایسنا:** معاون اول رئیس‌جمهوری روز سه‌شنبه در مراسم تکریم و معارفه وزرای پیشین و جدید صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اینکه عبور از شرایط پیش‌رو جز با همراهی مردم امکان‌پذیر نیست، گفت: «آخرین پرده نمایش ترامپ و همکارانش در آمریکا به صحنه آمد. در این شرایط مهم است که کشور را چگونه اداره کنیم. مسائل و تصمیم‌گیری‌ها در اداره کشور باید با دقت دنبال شود».

اسحاق جهانگیری افزود: «آنچه حیاتی است، این است که با مردم صادقانه صحبت شود چون مردم صاحبان اصلی کشور و انقلاب بوده و عبور از شرایط سخت پیش‌رو جز با همراهی مردم امکان‌پذیر نیست. ما به مشارکت و همکاری مردم نیاز داریم بنابراین شرایط کشور برای مردم دقیق تبیین شود. البته این بدان معنا نیست که مسائل نگران‌کننده را پمپاژ کنیم. آنجا که لازم نیست نباید مردم را نگران کنیم. باید نگرانی‌ها را در میان خود نگه داریم ولی هیچ موضوع دیگری هم نباید از مردم پنهان بماند».

او با بیان اینکه ما از اول انقلاب روزهای سختی را پشت‌سر گذاشته‌ایم، بیان کرد: «مردم باید ببینند مسئولان صادقانه برای عبور از مشکلات تلاش می‌کنند اگر مردم این را ببینند حتما به میدان می‌آیند و از هیچ کمک و فداکاری دریغ نمی‌کنند. ما به چشم خود فداکاری مردم در دوران جنگ تحمیلی را دیده‌ایم».

موفقیت اقتصادی یک مسئولیت ملی بزرگ است

معاون اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه آمریکا با همه توان و ظرفیت خود وارد میدان تحریم ایران شده است، گفت: «این اولین نمایش سیاسی پیروزی ایران علیه آمریکاست. زیرا در گذشته وقتی آمریکا تحریمی اعمال می‌کرد، اروپا و شورای امنیت هم آن تحریم‌ها را اعلام می‌کردند اما این‌بار متحدین آمریکا علیه یک‌جانبه‌گرایی این کشور مقاومت کرده و می‌خواهند استقلال سیاسی و اقتصادی خود را به نمایش بگذارند. امیدوار هستیم با تجاربی که به دست می‌آوریم برای مقابله با اقدامات صلح‌طلبانه و تحریم‌های غیراخلاقی و غیرقانونی آمریکا اقدام کنیم».

جهانگیری عنوان کرد: «برای اینکه پیروزی سیاسی خود را استمرار دهیم باید در عرصه اقتصادی نیز به موفقیت برسیم. موفقیت اقتصادی یک مسئولیت ملی بزرگ است که بر دوش همه مردم است. دولت به‌تنهایی نمی‌تواند بار مسئولیت را به دوش بگیرد. بلکه باید وحدت و انسجام ملی در کشور شکل بگیرد همه ما مسئول هستیم. همه نخبگان، جریان‌های سیاسی، ارگان‌های مختلف حاکمیت و همه ایرانیان وطن‌دوست در سراسر کشور وظیفه دارند به میدان بیایند».

او افزود: «آمریکا دنبال حاکم‌کردن فضای نااطمینانی در اقتصاد ایران بود. از همان اول دولت جدید آمریکا مطرح می‌کرد که برجام را ادامه نمی‌دهد. آمریکا تأکید کرده بود که فروش نفت ایران را به صفر می‌رساند که ما گفتیم آنها موفق نمی‌شوند تا امروز هم ما به میزان نیاز خود نفت فروخته‌ایم و از این پس هم آنها نمی‌توانند فروش نفت ایران را به صفر برسانند و هشت کشور را از تحریم‌های نفتی ایران مستثنی کرده است البته آنها به تبلیغات نیاز دارند و نیاز داشتند بگویند ما اجازه داده‌ایم این کشورها استثنا شود».

خواهش می‌کنم یک دوره چندماهه سختی‌ها را تحمل کنیم

معاون اول رئیس‌جمهوری با بیان اینکه با مدیرانی که مورد تحریم قرار گرفته‌اند تلفنی صحبت کرده‌اند، گفت: «همه آنها گفتند تحریم‌ها یا همان تحریم‌های گذشته است یا کمتر از گذشته است. فقط یک مورد بود که گفتند فکر نمی‌کردیم این اقدام انجام بگیرد که برای مقابله با این تحریم هم باید برنامه‌ریزی کنیم. ما باید به‌گونه‌ای اقدام کنیم که تحریم‌ها کمترین تأثیر را بر اقتصاد ایران بگذارد. من نمی‌توانم دروغ بگویم که تحریم‌ها اثری ندارد؛ تحریم‌ها اثر دارد ولی باید اثر آن را به حداقل برسانیم».

جهانگیری افزود: «صنعت کشور یکی از بخش‌هایی است که با عملکرد خود می‌تواند به آمریکا بگوید که شما شکست خورده‌اید. این موفقیت از عهده صنعت‌گران کشور برمی‌آید. من خواهش می‌کنم یک دوره چندماهه یا تا آخر سال ۹۸ سختی‌ها را تحمل کنیم و پای اداره بنگاه‌های کشور بایستیم. زیرا تولید و حفظ اشتغال مسئله اصلی ماست. تولید برای ما مهم است و بنگاه‌ها باید سر پا باشند. آمریکا می‌خواهد صادرات ما را از بین ببرد پس ما باید برای صادرات روی نظارت بر توزیع کالا و برای تولید وقت بگذاریم».

او با تأکید بر اینکه دولت نمی‌خواهد به مردم فشار جدیدی تحمیل شود، گفت: «در این شرایط دولت مجبور است برخی از سیاست‌ها را تغییر دهد سیاست‌های کنترلی دولت درخصوص ارز، صادرات و واردات به خاطر شرایط موجود کشور است».

politics@sharghdaily.ir

۶۴ سال از اعدام حسین فاطمی گذشت

روزنامه‌نگاری که وزیر خارجه شد

شرق: داستان بعضی چهره‌های تاریخی حتی بعد از مرگشان نیز ادامه دارد؛ نه‌تنها تمام نمی‌شود، بلکه سویه‌های جالب و عجیبی به خود می‌گیرد. حسین فاطمی، روزنامه‌نگاری که ۱۹ آبان سال ۱۳۳۳ اعدام شد، از این جمله است. نزدیک به ۶۰ سال بعد از مرگ فاطمی، وزیر خارجه مصدق، از یک سو همسرش در کهن‌سالی به ایران می‌آید، ماه‌ها در هتلی در خیابان دکتر فاطمی سکونت می‌کند و بعد روابطش با اسفندیار رحیم‌مشایی حاشیه‌ساز و سپس بازداشت می‌شود و هم‌زمان در نقطه‌ای دیگر از پایتخت، محمدمهدی عبدخدایی همچنان از ترور ناکام وزیر خارجه وقت دفاع می‌کند. عبدخدایی، از اعضا فدائیان اسلام که هنوز در قید حیات است، بارها گفته اگر به گذشته برگردم، بازهم حسین فاطمی را ترور می‌کنم.

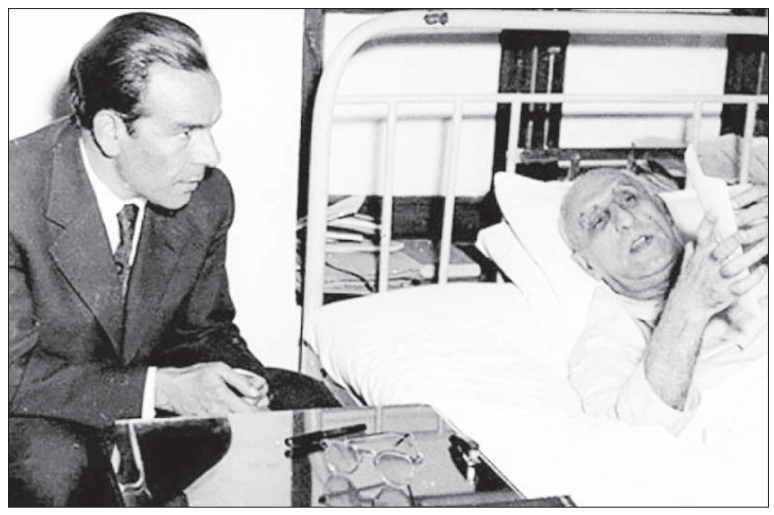

چیزی از سیاست نمی‌دانم

دکتر سیدحسین فاطمی در بهار ۱۳۲۹ ازدواج کرد. نام همسر دکتر فاطمی را کسی به خاطر نداشت و اصلا کسی نمی‌دانست که همسر وزیر خارجه دولت مصدق در قید حیات است؛ تا اینکه به دعوت شورای ایرانیان خارج از کشور به ایران آمد. مشایی زمینه دیدار او با محمود احمدی‌نژاد را نیز فراهم کرد. در این دیدار، سطوتی دفترچه یادداشت‌های دکتر حسین فاطمی را به احمدی‌نژاد تقدیم کرد؛ درحالی‌که هم‌اکنون هیچ اطلاعی از سرنوشت این دفترچه در دست نیست. گفته می‌شود پریوش سطوتی پس از حضورش در ایران در فروردین ۱۳۸۸ که با هزینه‌های دولتی از سوی معاونت ایرانگردی و جهانگردی رئیس‌جمهور بود، در هتل لاله تهران اقامت گزید. همسر دکتر فاطمی که درباره خودش گفته است: «دکتر فاطمی سیاسی بود و من اصلا از سیاست چیزی نمی‌دانستم»، در سال‌های گذشته ناخواسته وارد وادی سیاست شد؛ تاجایی‌که درباره محمود احمدی‌نژاد گفت: «کتر احمدی‌نژاد هم مانند دکتر فاطمی به خاطر عشق به وطن که ساعت چهار صبح به خانه می‌آمد و پنج‌ونیم صبح منزل را با پای سوخته و حال بد ترک می‌کرد، تمام توان و اندیشه خود را برای سربلندی کشور به کار گرفته است. زمانی که با دکتر احمدی‌نژاد دیدار کردم، متوجه شدم ایشان را خدا به مردم داده است. همان سلوک دکتر فاطمی را که همانا بامردم‌بودن و برای مردم زیستن بود، در ایشان دیدم. بنابراین علاقه ایشان در دل من افتاد، چون اقدامات ایشان همان کارهایی است که فاطمی قصد انجام آن را داشت، اما ناتمام ماند. من با ایشان یک رابطه انسانی برقرار کردم، چون ایشان همه ویژگی‌های مردان بزرگی مانند فاطمی را در خود دارند و همین مسئله موجب وابستگی من شد؛ به گونه‌ای که قرار بود من برای سه هفته در ایران بمانم، اما تاکنون در ایران ماندگار شدم. من از آقای احمدی‌نژاد و مشایی محبتی دیدم که من را مورد لطف قرار دادند و سراغی از من گرفتند؛ درحالی‌که این افراد (اعضای جبهه ملی که دکتر فاطمی عضو آن بود) هرگز سراغی از من و پسرم نگرفتند». پریوش سطوتی در سال ۱۳۹۰ از سوی نهادهای امنیتی دستگیر شد و پس از آزادی ایران را ترک کرد.

پریوش سطوتی تنها ۱۶ سال داشت که به عقد فاطمی درآمد و حاصل زندگی کوتاهشان فرزندی به نام سیروس بود که تقریبا تمام عمر خود را خارج از ایران گذراند و ۲۲ خرداد ۱۳۹۴ درگذشت. از فاطمی دو نوه به نام‌های حسین و ناتالی به یادگار مانده است. خواهر پریوش سطوتی با مهدی رحیمی ازدواج کرد؛ همان کسی که بعدها فرمانده نظامی تهران شد و چند روز پس از پیروزی انقلاب در پشت‌بام مدرسه علوی تیرباران شد. مرحوم عزت‌الله سحابی در کتاب «نیم‌قرن خاطره و تجربه» آورده است: «فاطمی‌ها به لحاظ سیاسی به‌طورکلی خانواده خوشنامی نبودند. یکی از برادران دکتر فاطمی استاندار خوزستان بود که گفته می‌شد عامل اجرای سیاست‌های شرکت نفت جنوب است. برادر دیگرش هم در اصفهان در خدمت حاکمیت بود و واقعا دکتر حسین فاطمی در آن خانواده یک استثنا بود».

روزنامه‌نگاری بهانه آشنایی با مصدق

حسین فاطمی در دوران دبیرستان نخستین تجربه‌های روزنامه‌نگاری خود را در نشریه هفتگی «باختر» کسب کرد و در اصفهان سردبیر روزنامه «باختر» شد. پس از شهریور ۲۰، فاطمی اولین فعالیت آشکار سیاسی خود را در اصفهان آغاز کرد و مقاله‌ای تند در روزنامه «باختر» علیه پیمان سه‌جانبه فروغی منتشر کرد و او را عامل خارجی و دشمن ملت ایران خواند. در پی انتشار این مقاله، روزنامه «باختر» توقیف و فاطمی بازداشت شد. فاطمی پس از آزادی از زندان، روزنامه «باختر» را به تهران منتقل کرد و با کمک همفکرانش، مخالفت با کابینه فروغی را ادامه داد. در دهه ۲۰، «باختر» سرسخت‌ترین منتقد حکومت پهلوی بود و حملات تند فاطمی به پهلوی‌ها تا ۱۲ سال بعد ادامه یافت. دکتر مصدق چند روز پیش از شروع انتخابات، از مدیران جراید ازجمله حسین فاطمی دعوت کرد جراید خود را در اختیار مردم بگذارند و از سلامت انتخابات مجلس شانزدهم دفاع کنند. از این تاریخ همراهی وفادارانه فاطمی با دکتر مصدق آغاز شد. هیئت هفت‌نفره مدیران جراید به همراه دکتر مصدق تصمیم گرفتند برای روشنگری و همراهی افکار عمومی با خود، دست به تحصن بزنند. تحصن یک روز پیش از سفر شاه به آمریکا صورت گرفت و خبر آن در جراید اصلاح‌طلب کشور منتشر شد. در پی همین تحصن، هسته اولیه «جبهه ملی» شکل گرفت.

در این زمان، مسئله کشور نفت بود. فاطمی در «باختر امروز» مقالات تندی علیه مخالفان طرح ملی‌شدن صنعت نفت ازجمله نخست‌وزیر رزم‌آرا می‌نوشت تا اینکه دستگیر شد. سه شبانه‌روز بیشتر بازداشت فاطمی طول نکشید. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق اعضای کابینه خود را به مجلس معرفی کرد؛ درحالی‌که حسین فاطمی را برای معاونت سیاسی و پارلمانی خود در نظر گرفته بود.

فاطمی به‌عنوان سخنگوی دولت هر روز کنفرانس مطبوعاتی داشت و همچنان سرمقالات «باختر امروز» را می‌نوشت تا از تشنجات ناشی از اخبار غیرموثق و شایعه‌ها جلوگیری کند.

فاطمی در ادامه برای پیشبرد اهداف جبهه ملی از مقام معاونت سیاسی دکتر مصدق استعفا داد و در انتخابات مجلس هفدهم کاندیدای نمایندگی از تهران شد تا بتواند در مجلس بازوی حمایتی قوی‌تری برای دکتر مصدق باشد، فاطمی رأی آورد اما در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۳۰ ترور شد و به دلیل بستری‌شدن در بیمارستان نجمیه عملا نتوانست در مجلس فعالیت خاصی انجام دهد. محمدمهدی عبدخدایی، ضارب فاطمی، درباره این ترور گفته است: «بعد از ملی‌شدن نفت مرحوم نواب صفوی نظرش این بود که بین جبهه ملی و دربار توافق شده است و رابط این توافق آقای فاطمی است و هیچ‌کس جز او صحه مصدق نیست که رابط این جریان باشد... من به ملاقات نواب صفوی رفتم. او به من گفت که مأموریتی به تو می‌دهم امیدوارم آن را خوب انجام بدهی. من شاگرد حاج‌کاظم باقرزاده‌خرسندی بودم و روزی سه تومن می‌گرفتم. روزی دیدم که اصغر شالچی در مغازه آمد و به من گفت که بیا با شما کاری دارم. من هم رفتم از بازار عباس‌آباد گذشتم. یک‌دفعه دیدم که از میدان خیام فعلی سر درآوردیم و در همان منزلی که جلسه مخفی فدائیان اسلام بود رفتیم. آنجا سیدعبدالحسین واحدی بود. گفت دیدی چه کردند. حاضری شهید شوی و مردانه به میدان بروی؟ گفتم بله. گفت رابط بین دکتر مصدق و دربار دکتر فاطمی است. او قصد جان نواب صفوی را کرده است. ما اجازه نمی‌دهیم که کسی قصد جان رهبر فدائیان را بکند. کلت را آورد و به من گفت همین ماشه را بتکانی جریان تمام می‌شود. من چون نوجوان بودم نمی‌توانستم کلت را در جیب کتم بگذارم. همان روز اسلحه را لای نان سنگک گذاشتم و در میدان بهارستان آمدم. دکتر فاطمی برای روزنامه نیامده بود تا اینکه شب خواندیم که شب جمعه سر قبر مسعود فاطمی سخنرانی می‌کند. ما اسلحه را در جیبمان گذاشتیم و سر قبر رفتیم بین من و دکتر فاطمی یک قبر فاصله بود. او آمد صحبت کرد و من ماشه را تکاندم. شلوغ شد و من اسلحه را روی قبر انداختم. شخصی به نام عباس گودرزی بود که آمد اسلحه را بردارد. همه سر او ریختند و من هم فریاد می‌زدم الله‌اکبر. پاسبان‌ها من را از دست مردم که مرا می‌زدند بیرون کشیدند در یک ماشین من را سوار کردند و مرا به شهربانی آوردند».

فاطمی که از ترور جان سالم به‌در برده بود، مهر سال ۱۳۳۱ به سمت وزیر امور خارجه دولت دکتر مصدق منصوب شد و به‌دنبال کشف مدارک جاسوسی انگلیس بلافاصله سفارتخانه انگلیس را در اول بهمن تعطیل و کارمندان آن را اخراج کرد. فاطمی که هم‌زمان روزنامه‌نگاری هم می‌کرد، با نزدیک‌شدن به روزهای کودتا حملاتش به دربار بیشتر شد. در سه روز منتهی به کودتا در مقالات تندش مخالفت صریح و قطعی خود را با شاه اعلام کرد و با قاطعیت از حذف شاه و خاندان پهلوی نوشت. در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در باختر امروز تیتر زد: «دربار، جای زنان بدکار». «خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد.» اما خائن مورد نظر کینه روزنامه‌نگار را به دل گرفت و کمی بیش از یک سال بعد حکم اعدامش صادر شد.

پیغام فاطمی چه بود؟

فاطمی مدتی که در مخفیگاه بود، چندباری خانه عوض کرد. مخفی‌بودن او نزدیک هفت‌ماهی به درازا کشید و در این مدت هر از چند گاهی شایعات بی‌اساسی درباره دستگیری‌اش نقل محافل می‌شد. صبح روز ۲۲ اسفند باز هم شایعه دستگیری او دهان به دهان چرخید. خیلی‌ها گمان کردند چیزی بیشتر از شایعه در کار نیست. اما این بار ماجرا فرق داشت. همه در کنجکاوی درستی و نادرستی خبر بودند که فرمانداری نظامی اطلاعیه‌ای منتشر کرد که حکایت از تأیید دستگیری داشت: «بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رسد که دکتر حسین فاطمی ساعت ۹ صبح امروز به وسیله سرکار سروان حبیب‌الله جلیلوند، افسر اداره انتظامی شهربانی و مأمورین فرمانداری نظامی پس از تجسسات طولانی در یکی از کوچه‌باغ‌های تجریش دستگیر و تحویل فرماندار نظامی گردید».

دادگاه او در کنار دیگر کسانی که در کودتا نقش داشتند، در مهرماه ۱۳۳۳ تشکیل شد و در همان ماه هم حکم صادر شد. سنگین‌ترین حکم آن دادگاه یعنی اعدام برای فاطمی صادر شد. دادگاه تجدیدنظر در آبان‌ماه برگزار شد که آن نیز برای او حاصلی جز تأیید حکم قبلی نداشت. در واقع کودتا گوشت قربانی می‌خواست و آن گوشت قربانی کسی جز فاطمی نبود.

«مجله اطلاعات هفتگی» از قول یک «شخصیت مطلع» این‌طور گزارش داد که وقتی فاطمی در میدان تیر از ماشین پیاده شد، به دادستان ارتش پیغام داد به گوش محمدرضاشاه برساند که اگر بد کرده، او را ببخشد! خبرگزاری رویترز اما خبری به ظاهر متضاد با این خبر را نقل کرده است. به گزارش این خبرگزاری، وقتی فاطمی را به چوبه مخصوص می‌بستند، فریاد «زنده‌باد مصدق!» بود که از دهان او خارج و در فضا شنیده می‌شد».

روز ۱۹ آبان ۱۳۳۳، تیتر یک روزنامه‌های سراسری شوک‌آور بود و خبر از وقوع اتفاقی داشت که دیر یا زود باید رخ می‌داد: «سپیده‌دم امروز دکتر حسین فاطمی تیرباران شد». در اطلاعیه دادستان ارتش که در روزنامه‌های همان روز چاپ شد، دلیل اعدام فاطمی «به‌هم‌زدن اساس حکومت» خوانده شده: «دکتر حسین فاطمی که در اثر قیام ملی ۲۸ مرداد ۳۲ فراری و در پناه اشرار توده‌ای قرار گرفت و پس از دستگیری و تعقیب و تسلیم به دادگاه به موجب احکام صادره در دادگاه عادی و دادگاه تجدیدنظر اعمالش به منظور به‌هم‌زدن اساس حکومت تشخیص و محکوم به اعدام شد، با انجام تشریفات قانونی ساعت شش صبح امروز تیرباران گردید».

دادستان پس از اعدام گفت‌وگویی مطبوعاتی ترتیب داد و آن اتفاق را جزئی از عدالت اجتماعی شمرد که همه آرزوی آن را دارند و اظهار خوشوقتی کرد که به مردم ایران ثابت شده دادستانی ارتش در برابر قانون همه را به یک چشم می‌بیند.وقتی که می‌خواستند او را برای اجرای حکم ببرند، تقاضای سیگاری کرد و به قول خبرنگاران، آن را با حالت خاصی گوشه لبش گذاشت تا روحیه و قوت قلبش را نشان دهد. خبرنگار روزنامه کیهان در گزارش خود از چندوچون اعدام، به پیغامی اشاره کرده که دادستان ارتش روز پیش از اعدام برای خانواده فاطمی می‌فرستد تا اگر مایل بودند ملاقاتی با او داشته باشند؛ ملاقاتی که بر اساس اطلاعات این خبرنگار هرگز عملی نشد. دکتر فاطمی پیش از مرگش دکتر محمد مصدق را وصی و قیم فرزندش کرد و پس از او نیز مسئولیت‌ها را به یکی از برادرانش سپرد. پریوش سطوتی چند سال بعد از مرگ همسر، سیروس را به انگلستان فرستاد و خودش هم بعدا به او ملحق شد. به نظر نمی‌رسد خانم سطوتی چندان به وصیت همسر عمل کرده باشد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **تحریم و گرانی:** بازگشت تحریم آمریکا علیه ایران بهانه‌ای برای افزایش قیمت‌ها نباشد. عده‌ای فرصت‌طلب منتظرند تا قیمت‌ها را بالا ببرند و جو روانی ایجاد کنند.

علی از تهران

● **مسافران را دریابید:** کرایه اتوبوس‌های شرکت واحد گران است. قطع یارانه شرکت واحد باعث شده مسافران کرایه بیشتری پرداخت کنند. لطفا مسافران را دریابید.

علی‌اکبر از تهران

● **قدردانی:** از توجه و پیگیری راهور نسبت به پاک‌سازی خودروهای مسافربر از مقابل پایانه مسافربری شرق تهران قدردانی می‌کنم.

مسعود وهابی، مدیرعامل شرکت مسافربری ۲ تهران

● **قناد باانصاف:** قیمت هر کیلو شیرینی دانمارکی (گل‌محمدی) از سوی اتحادیه ۲۱ هزار تومان تعیین شده است. مدیر قنادی جنت واقع در بزرگراه شهید محلاتی، خیابان مخبر شمالی، نبش خیابان بهارستان پنجشنبه‌ها، آن را کیلویی ۱۳ هزار تومان می‌فروشد. از قناد باانصاف قدردانی می‌کنم.

مهسا

● وزارت جهاد کشاورزی موظف است تا اواخر مرداد نرخ تضمینی خرید گندم را به دولت اعلام کند. نرخ جهانی گندم هر تن ۲۴۸ دلار است که با نرخ هشت هزارو ۴۰۰ تومانی، واردات هر کیلو گندم با کرایه حمل کشتی و حمل تا سیلوی گندم حداقل دوهزارو ۴۲۰ تومان می‌شود. امروز نرخ خرید گندم ما هزارو ۳۰۰ تومان است، حدود نصف قیمت جهانی وارداتی! اگر مثلا دولت در مرداد قیمت را کمتر از دوهزارو ۴۲۰ تومان اعلام می‌کرد، هیچ کشاورزی گندم نمی‌کاشت، پس نرخ نداد تا کشاورزان به علت محدودبودن زمان کشت، بکارند و بعد مبلغ ناچیزی به نرخ سال بعد افزوده کنند و رفع و رجوع شود.
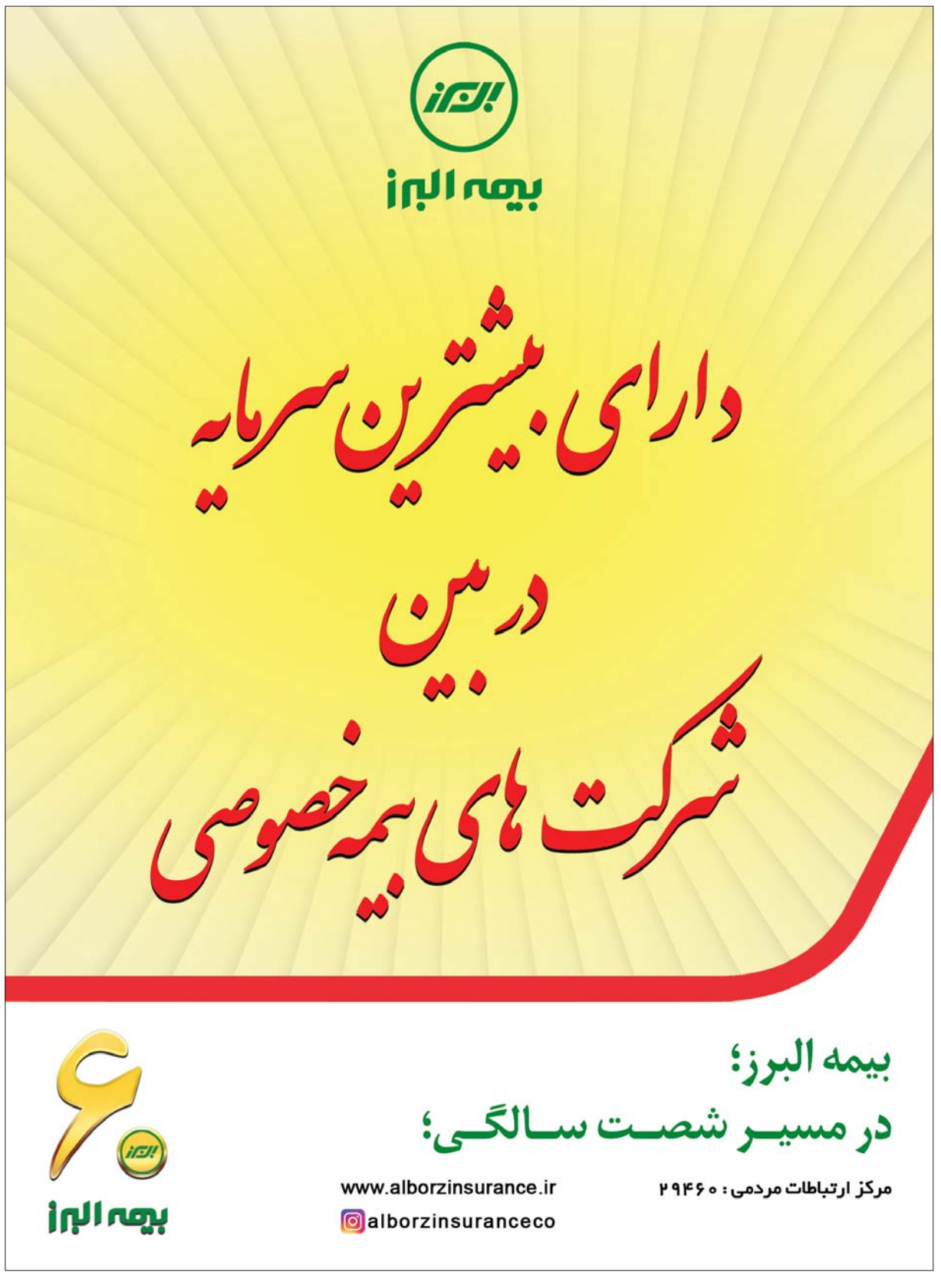
● شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه تهران پیش از موعد و چند ماه قبل از پایان قرار داد، خدمات بیمه تکمیلی کارکنان انبارهای نفت را قطع کرد؛ با این وضع وخیم گرانی، کارکنان ضعیف و کم‌درآمد سخت متضرر می‌شوند، تقاضای حل فوری این مشکل غیرمنتظره را داریم.